

طراحی الگوی تراز یابی راهبردی قدرت اقتصادی ایران در محیط متخاصم

رضا بنی‌اسد⁻

مهدی باقری میبدی**

چکیده

در مطالعات راهبردی اقتصاد، بیشتر سه نوع محیط رقابتی، محیط همکاری و محیط همکاری با رقیبان تحلیل می‌شود؛ اما محیط متخاصم که متفاوت از سایر محیط‌هاست کمتر به آن پرداخته می‌شود. در محیط متخاصم دشمنان از طریق تحریم و تروریسم اقتصادی، به دنبال نابودی کامل اقتصاد یک کشور هستند؛ به این منظور ابزارهای اقتصادی را تسلیحاتی کرده و در جنگ اقتصادی از آن بهره می‌برند. تراز یابی راهبردی قدرت اقتصادی، به دنبال این است تا وضعیت ظرفیت‌ها و فقدان ظرفیت‌های اقتصادی کشور را نسبت به کشورهای متخاصم بررسی و از اقتصاد مقاومتی برای تقابل با حملات متخاصمانه بهره برد. مسأله پژوهش این است که الگویی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی که بتواند به تراز یابی راهبردی قدرت اقتصادی بپردازد وجود ندارد. بنابراین، هدف از این پژوهش طراحی الگوی تراز یابی راهبردی قدرت اقتصادی است. روش‌شناسی این پژوهش آمیخته کیفی-کیفی بود؛ به این ترتیب ابتدا با استفاده از روش گروه‌های کانونی و داده‌های ثانویه، اجزا و مؤلفه‌های الگو به دست آمد و سپس بر اساس ادبیات موجود هر یک از ابعاد الگو تحلیل و تفسیر شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در سطح دکترینال لازم است به چشم‌انداز کلان تراز یابی راهبردی، سیاست‌های کلان اقتصادی پرداخته شود. در سطح راهبردی علاوه بر تحلیل محیط متخاصم به ظرفیت‌ها و فقدان ظرفیت‌های داخلی توجه شده و سرانجام اقتصاد از جنبه امنیتی شدن، تسلیحاتی شدن، نظامی شدن بررسی گردید. بر اساس این یافته‌ها، سطوح دکترینال و سیاستی در یک الگوی جامع طراحی شد تا بتوان از آن برای سنجش تراز راهبردی قدرت اقتصادی در محیط متخاصم بهره برد.

واژه‌های کلیدی: تراز یابی راهبردی قدرت، اقتصاد مقاومتی، محیط متخاصم، راهبرد،

تسلیحاتی کردن اقتصاد، جنگ اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: N4, H56, F52

* استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، گروه معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی،
دانشکده مدیریت، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
baniasad@isu.ac.ir

** کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، گرایش بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت،
دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
bagheri2.m313@yahoo.com.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۷

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال نهم، شماره سی و دوم، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۶۸-۱۳۵

مقدمه

امروزه در حوزه اقتصاد و کسب و کار، تحلیل محیط اقتصادی بیشتر از سه جنبه مورد بحث است: الف) محیط رقابتی؛ محیطی که در آن رقابت وجود دارد و کسب و کارها با یکدیگر رقابت می‌کنند؛ در این حالت، برخی از کشورها در بازارهای مختلف کالا و خدمات رقیب ما هستند. (Barney & Hesterly. 2015;

Hill, Jones. & Schilling. 2015; Porter. 1980; Porter. 1998; Thompson. 2018)

ب) محیط همکاری؛ محیطی که در آن همکاری وجود دارد و ما می‌توانیم در عرضه کالاها و خدمات خود با برخی از کشورها و شرکت‌های خارجی همکاری داشته باشیم (Grant. 2016; Johnson. Scholes. & Whittington. 2011; Lynch. 2018)

ج) اخیراً نوعی از محیط به نام "هم‌رقابتی" هم در عرصه تحلیل‌های راهبردی اقتصاد و کسب و کار ظهور کرده است که در برخی جهات همکاری و در برخی جهات دیگر رقابت را توصیه می‌کند (Yami. 2010) اما نوع چهارمی از محیط هم وجود دارد که بر اقتصاد ما اثرگذار است و از سنخ هیچ‌کدام از محیط‌های رایج در بررسی‌های اقتصادی و کسب و کارها در ادبیات متعارف نیست و آن محیط متخاصم است. محیطی که در آن کشوری دشمن کشور دیگر است و با انواع حربه‌ها و ابزارهای اقتصادی همچون تحریم‌ها و تروریسم اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی، استثمار نفت و انرژی در صدد نابودی سایر کشورهاست. مصداق محیط متخاصم امروزه در بالاترین شکل خود در درجه اول،

-
1. Competitive Environment
 2. Cooperative Environment/Collaborative Environment
 3. Coopetitive Environment

بین آمریکا و ایران و در درجه‌های بعد، بین آمریکا با چین و اتحادیه اروپا وجود دارد.

امروزه در جنگ نرم اقتصادی با نظام سلطه، محیط کسب و کارهای کشور ما از نوع متخاصم است و نه از نوع محیط رقابتی که رقابت خواه سالم، خواه ناسالم در آن در جریان باشد. بنابراین، باید نظام اقتصادی دشمن را شناخت و برای مقابله با آن، اسلحه‌ی اقتصادی متناسب را تولید کرد. همان‌طور که در جنگ نظامی توپ، تانک، هواپیما، موشک و سایر جنگ‌افزارها می‌تواند کشور را از جنگ نظامی نجات دهد در محیط متخاصم اقتصادی نیز اسلحه‌های اقتصادی می‌توانند کشور را در آمادگی مبارزه و دفاعی با دشمنان قرار دهد.

یکی از راه‌های شناخت دشمن و محیط متخاصم، شناخت ظرفیت‌های اقتصادی آن و مقایسه با ظرفیت‌های اقتصادی کشور ایران است. در این پژوهش هدف این است تا برای ترازیبی راهبردی قدرت اقتصادی بین ایران و نظام سلطه، چارچوبی ارائه شود. این پژوهش مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی کشور است که به ظرفیت‌های دریایی، سایبری، خشکی، هوایی و فضایی تقسیم شده و این ظرفیت‌ها مبنای شناخت و تحلیل درونی کشور در برابر محیط متخاصم قرار خواهند گرفت.

پژوهش‌ها و بررسی‌ها حاکی از این است که ایران یک ابرقدرت بازیگر در عرصه‌های مختلف جهانی است؛ لذا دو قطب دافع‌های ایران و نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل همواره به اتخاذ راهبردهای هجومی و حتی تدافعی علیه یکدیگر اقدام می‌کنند. اما در هر صورت بنا بر توصیه‌های فرماندهی کل قوا، هیچ‌وقت نباید از دشمن غافل بود و هر آنچه در توان داریم برای صیانت و حفظ امنیت داخلی و خارجی به کار بگیریم.

مسئله اصلی این پژوهش، همانا غفلت از توجه و تحلیل محیط متخاصم در حوزه اقتصاد مقاومتی در کشور است.

برای اینکه در این مقاله به یک الگوی جامع در حوزه تحلیل محیط متخاصم و دشمن‌شناسی دست یابیم اهداف دکترینال و سیاستی و راهبردی، به صورت زیر

تبیین می‌شود:

اهداف دکترینال و سیاستی

- تبیین چشم‌انداز استراتژیک در حوزه اقتصاد مقاومتی، بر اساس الهام از قرآن و تبیین آن بر اساس فرمان‌های مقام معظم رهبری؛
- تبیین دکترین اقتصاد مقاومتی و توصیف سیاست‌های راهبردی، تدافعی و سازنده ذیل آن و جهت دادن به فعالیت‌های اقتصادی کشور؛
- تحلیل و بررسی سیاست‌های اقتصادی چهارگانه دفاعی، امنیتی، نظامی و تسلیحاتی ذیل چارچوب سیاست‌های راهبردی سه‌گانه فوق؛

اهداف استراتژیک

- ترجمه و تبیین هر یک از سیاست‌های اقتصادی چهارگانه به استراتژی با تحلیل و بررسی آمایش راهبردی محیط خارجی متخاصمین و تحلیل وضعیت ظرفیت‌های اقتصادی موجود و مطلوب در فضای سایبر، خشکی، دریا، هوا و فضا؛
- تحلیل و شناخت اقتصاد با آمایش‌های پنج‌گانه ملی همچون آمایش دریایی، آمایش بری، آمایش فضایی، آمایش هوایی و آمایش سایبری؛
- شناسایی دانش استراتژیک اقتصادی موجود در آمایش‌های اقتصادی شش‌گانه برای تحلیل و شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ملی؛
- ترازیبی راهبردی قدرت اقتصادی و شناسایی شکاف‌های راهبردی بین کشور ما و کشور متخاصم؛
- شناسایی و تبیین استراتژی‌های مرتبط با سیاست‌های اقتصادی چهارگانه و آمایش‌های شش‌گانه؛
- امنیتی کردن^۱، نظامی کردن^۲ و تسلیحاتی کردن^۳ دانش و فناوری استراتژیک اقتصادی کشور با بهره‌برداری از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛
- گفتمان‌سازی استراتژیک جهت تهیه بسته‌های عملیاتی و تاکتیکی برای هر

-
1. Securitization
 2. Militarization
 3. Weaponization

یک از راهبردهای اقتصادی.

متناسب با اهداف دکترینال و راهبردی، سؤال‌های پژوهش به صورت زیر است:

سؤالات مرتبط با سطح دکترینال و سیاستی ترازیبی راهبردی قدرت اقتصادی
۱- چشم‌انداز راهبردی اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر دشمن‌شناسی) کدام است؟

۲- برای عملیاتی کردن دکترین اقتصاد مقاومتی چه سیاست‌های کلان راهبردی باید تدوین و طراحی شوند؟

۳- سیاست‌های اقتصادی که همسو با سیاست‌های راهبردی و اقتصاد مقاومتی هستند کدام هستند؟

سؤالات مرتبط با سطح راهبردی ترازیبی راهبردی قدرت اقتصادی
۴- مؤلفه‌های آمایش راهبردی محیط خارجی متخاصمین و ظرفیت‌های موجود و مطلوب آن‌ها کدام‌اند؟

۵- تحلیل و فهم اقتصاد در آمایش‌های دریایی، برّی، سایبری، هوایی و فضایی در کشور چگونه است؟

۶- ظرفیت‌ها و فقدان ظرفیت‌های موجود و مطلوب اقتصاد در آمایش‌های دریایی، برّی، سایبری، هوایی و فضایی و همچنین آمایش محیط خارجی کدام هستند؟

۷- مؤلفه‌های مثبت و منفی تراز راهبردی قدرت در ظرفیت‌ها و فقدان ظرفیت‌ها کدام هستند؟

۸- استراتژی‌های متناسب با هر یک از آمایش‌های شش‌گانه کدام هستند؟

۹- برنامه جامع تسلیحاتی کردن و نظامی کردن هر یک از استراتژی‌های فوق کدام هستند؟

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات نشان می‌دهد که در حوزه‌های تسلیحاتی کردن تجارت^۱ (Harding &

(Harding, 2017)، جنگ اقتصادی^۱، تسلیحاتی کردن اقتصاد، تسلیحاتی کردن دانش مالی^۲ (Bremmer & Kupchan, 2015)، جنگ ارزی^۳ (James Rickards, 1393)، حتی تسلیحاتی کردن آب^۴ برای فلج کردن اقتصاد صنعتی و کشاورزی (King, 2015) و تسلیحاتی کردن شبکه‌های اجتماعی (Singer & Brookings, 2018) و موارد مشابه، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است؛ در این بخش به برخی از مطالعات مرتبط اشاره می‌شود:

جفری فرانکل (۲۰۱۹) بر این باور است که امروزه، زبان سیاست‌های پولی بین‌المللی تبدیل به یک زبان نظامی^۵ شده است. جنگ ارزی^۶ به مدت یک دهه بین کشورها رایج شده است؛ تسلیحاتی کردن دلار از سوی آمریکا به یک جنجال بین‌المللی تبدیل شده است. در وضعیت فعلی، دلار و ارزهای رقیب آن در سطح بین‌المللی همچون یورو، ین، یوان و پوند استرلینگ پا را فراتر از یک رقابت عادی گذاشته و به نوعی به جنگ ارزی تبدیل شده است؛ زیرا واحد پول چین هم کم‌کم به یک ارز بین‌المللی پیشرو تبدیل می‌شود. بنابراین، جنگ ارزی، بعد حملات ارزی و سرانجام تسلیحاتی کردن اقتصاد گام به گام اتفاق می‌افتد. تسلط جهانی ارز و تسلیحاتی کردن دلار به طور کلی بیانگر استعمار دولت آمریکا است. فرانکل بارزترین نمونه جنگ تسلیحات اقتصادی را تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا برای ایران می‌داند که تلاش می‌کند ارتباط ایران را به طور کلی با نظام بانکی بین‌المللی بویژه در SWIFT قطع کند (Frankel, 2019).

شوارتزر نیز در مقاله "تسلیحاتی کردن اقتصاد" می‌نویسد: ضرورت دارد که با توجه به اقدامات پیش آمده از سوی آمریکا، به ویژه در دولت ترامپ، اتحادیه اروپا و آلمان توجه جدی به ژئواقتصاد^۷ داشته باشند. وی بر این باور است که در

-
1. Economic Warfare
 2. Weaponization of Finance
 3. Currency War
 4. Weaponization of Water
 5. Militaristic
 6. Currency War
 7. Geoeconomics

عصر کنونی، درگیرهای کلاسیک نظامی بین کشورها کمتر دیده می‌شود؛ در مقابل، استفاده قابل توجه از ابزارهای اقتصادی و مالی برای تقویت پایگاه قدرت خود و خارج از قلمرو خود هستند. به طور کلی ابزارهای اقتصادی به ابزارهای سیاسی و پس از آن ابزارهای نظامی تبدیل شده‌اند (Schwarzer, 2020).

مختاری هشی نیز اقتصاد ژئوپلیتیکی را در وضعیت فعلی برای کشور توصیه می‌کند. وی به هفت ابزار اقتصادی زیر اشاره می‌کند که در رویکرد ژئو اقتصاد به کار گرفته می‌شوند: سیاست‌های تجاری، سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری ژئواکونومیک، کمک‌های اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی و سیاست‌های ملی حاکم بر انرژی و کالاها (مختاری هشی، ۱۳۹۷). اثر این ابزارها در سطح جهانی و بین‌المللی در محیط متخاصم و مبارزه با تروریسم اقتصادی بروز می‌کند.

عسکری و همکاران (۲۰۰۹) نیز نظامی کردن خلیج فارس با تحلیل‌های اقتصادی را بررسی می‌کنند که برای تحلیل آمایش دریایی کشور می‌تواند الهام‌بخش باشد (Askari, Mohseni, & Daneshvar, 2009). نانتو نیز در پژوهش خود با عنوان "اقتصاد و امنیت بین‌المللی" چارچوبی برای امنیت ملی و علم اقتصاد ارائه کرده است (Nanto, 2011). لوید نیز در پژوهش‌های خود توضیحاتی جامع در مورد امنیت ملی از پایه و مدل اقتصادی برای آن ترسیم کرده است (Lloyd, 2010).

مطالعات مربوط به جنگ اقتصادی نیز پیشینه‌ای بیش از صد سال دارد. در سال ۱۹۱۷ اولین مقاله در این زمینه منتشر شد و در زمان جنگ جهانی دوم از نظر برنامه‌ریزی راهبردی و همچنین تاکتیک بررسی شد (Pumphrey, 1941). Pumphrey (1942) این مطالعات تا کنون نیز ادامه دارد. در کشور ما مطالعاتی همچون جنگ اقتصادی و پدافند غیرعامل (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰)، پدافند غیر عامل و اقتصاد مقاومتی (پورعلی، کلهر و قدیری‌نژادیان، ۱۳۹۷) جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران (رحمتی، ۱۳۹۸) انجام شده است. بر اساس پژوهش‌ها مقاله‌ای که به طراحی الگوی ترازیبی راهبردی قدرت اقتصادی بپردازد وجود ندارد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از حیث هدف کلان بنیادی است که بر اساس منطق استفهامی (ترکیبی از منطق قیاسی و استقرایی) با استفاده از استراتژی ترکیبی متوالی کیفی انجام شده است. طرح ترکیبی متوالی کیفی نوعی از طرح پژوهش است که در آن، دو روش کیفی با یکدیگر ترکیب می‌شوند. روش نخست، با عنوان طرح کیفی پایه و اصلی و روش کیفی دوم با عنوان روش مکمل در امتداد آن انجام می‌شود (Morse, 2010).

تحلیل وضعیت نظام پژوهش این مقاله به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱. نظام پژوهش

۱	فلسفه پژوهش	پراگماتیسم
۲	کار ویژه (هدف کلان) پژوهش	کاربردی
۳	منطق	استفهامی (استقرایی و قیاسی)
۴	صیغه	مرور نظام‌مند کیفی
۵	استراتژی	آمیخته متوالی کیفی (نوع شناسی مورس)
۶	از حیث مکان	کتابخانه‌ای (مرور مقالات)
۷	از حیث هدف	اکتشافی، تبیینی
۸	از حیث افق	مقطعی
۹	از حیث روش گردآوری	مصاحبه، مشاهده، اسناد
۱۰	از حیث تحلیل داده‌ها	تحلیل محتوا

رویکرد آمیخته متوالی کیفی که بر اساس نوع‌شناسی مورس رایج شده است روشی است برای اینکه بتوان به تفصیل برای یک مدل طراحی شده ادبیات بومی خلق کرد؛ ادبیاتی که ممکن است در گذشته در ادبیات رایج وجود نداشته و برای اولین بار مرتبط با یک مطالعه موردی خلق می‌شود.

گوناگونی و پیچیدگی انواع طرح‌های ترکیبی زیاد است. یکی از این نوع‌شناسی‌ها که تمرکز بر ترکیب دو روش کیفی هم در طرح‌های ترکیبی دارد نوع‌شناسی مورس (۲۰۱۰) است. مورس تحقیقات زیادی را مطرح می‌کند که در طرح ترکیبی خود هر دو روش کیفی را به کار بسته‌اند. در این نوع‌شناسی بر اساس منطق استدلال دو دسته طرح‌های ترکیبی استقرایی و طرح‌های ترکیبی قیاسی ارائه شده است. از جمله طرح‌های ترکیبی استقرایی، طرح ترکیبی متوالی کیفی است و در آن طرح به طور کیفی هدایت می‌شود. اما ابتدا یک روش کیفی

به عنوان روش پایه تحلیل شده و پس از آن روش کیفی دیگر برای تحلیل و تفسیر نتایج روش قبل اجرا خواهد شد و سپس نتایج ترکیب خواهند شد. در این پژوهش با توجه به سیر طی شده از مسأله تا ادبیات پژوهش، طرح ترکیبی متوالی کیفی انتخاب شده است. در این طرح یک روش کیفی اول به عنوان روش حاکم و پایه انتخاب شده و بر اساس آن روش کیفی دوم به عنوان روش مکمل یا ثانویه انتخاب می‌شود و به تحلیل و تفسیر نتایج حاصل از روش اول می‌پردازد. انتخاب طرح ترکیبی، بر اساس معیارهایی زیر صورت گرفته است که در هر یک از معیارها جایگاه این طرح برای این پژوهش مشخص شده است.

- معیار زمان‌بندی طرح‌های ترکیبی

اصولاً طرح‌های ترکیبی از نظر زمان‌بندی می‌توانند در دو دسته طرح ترکیبی همزمان و طرح ترکیبی متوالی قرار گیرند. در طرح ترکیبی متوالی، بر اساس اولویت زمانی، می‌توان هر روش را به صورت طرح ترکیبی نخست کمی و طرح ترکیبی نخست کیفی اجرا کرد (محمد پور، ۱۳۹۰). در طرح‌های ترکیبی ثانویه هم می‌توان طرح ترکیبی ثانویه کیفی یا ثانویه کمی را اجرا کرد. معیار زمان‌بندی انتخاب شده برای این پژوهش طرح ترکیبی متوالی از نوع نخست کیفی و همچنین ثانویه کیفی است.

- معیار وزن‌بندی طرح‌های ترکیبی

در طرح‌های ترکیبی، ممکن است وزن هر یک از روش‌ها متفاوت باشد. بر این اساس طرح‌های ترکیبی می‌توانند به دو دسته با وزن برابر و وزن نابرابر تقسیم شوند. طرح‌های ترکیبی با وزن نابرابر نیز در دو دسته تأکید کیفی و تأکید کمی قرار می‌گیرند. به این معنا که ممکن است یکی از این طرح‌ها مورد تأکید بوده و دیگری نقش مکمل را ایفا کند. در این پژوهش نیز وزن دو روش نابرابر است و روش کیفی پایه از وزن بالاتری نسبت به روش کیفی مکمل برخوردار است.

- معیار شیوه ترکیب روش‌ها در پژوهش ترکیبی

برای ترکیب روش‌های کمی و کیفی با یکدیگر، سه شکل ترکیب ارایه شده است. ابتدا، ترکیب روش‌ها از طریق ترکیب داده‌های آن‌ها است. در ترکیب داده‌ها، نتایج در خلال تحلیل یا تفسیر با هم ترکیب می‌شوند. دوم، ترکیب

روش‌ها از طریق لانه‌گزینی داده‌های یک روش در روش دیگر است. در لانه‌کردن داده‌ها ممکن است داده‌های کیفی در یک طرح کمی لانه کرده باشند یا اینکه داده‌های کمی در یک طرح کیفی لانه کنند. در شیوه سوم، اتصال داده‌ها برای معیار ترکیب روش‌ها به کار می‌رود. در این ترکیب ممکن است داده‌های کمی به کیفی منتهی شده یا داده‌های کیفی به کمی منجر شوند. (محمدپور، ۱۳۹۰). نوعی از اتصال داده‌ها هم وجود دارد که در آن داده‌های کیفی حاصل از طرح نخست با داده‌های کیفی حاصل از طرح ثانویه تفسیر می‌شوند.

روش کیفی مکمل (روش دوم طرح ترکیبی متوالی کیفی)

روش کیفی مکمل در طرح ترکیبی متوالی کیفی، برای تفسیر و تحلیل نتایج حاصل از روش کیفی پایه به کار می‌رود. در روش کیفی پایه خروجی آن بررسی می‌شود. در این گام (روش مکمل) تلاش بر این است تا هر یک از مفاهیم و شواهد پژوهشی مربوط به الگو تحلیل و بررسی شوند. زمانی که همه شواهد این الگو تحلیل و بررسی شوند به نوعی ادبیات بومی می‌رسیم. ادبیاتی که از ارجاع به کدها و داده‌ها و منابع مختلف حاصل شده است. در این بخش همانند روش کیفی پایه، مسأله پژوهش، مآخذ داده‌ای و ابزارها و همچنین روش‌های تفسیر داده‌ها و سرانجام خروجی حاصل بررسی می‌شود.

بنابراین، در مرحله کیفی اول، بر اساس داده‌های ثانویه و مطالعه ادبیات پژوهش، مؤلفه‌ها و عوامل اثرگذار در هر یک از سؤال‌ها بررسی و چارچوب‌های اولیه-برای پاسخ به هر سؤال و دستیابی به اهداف دکترینال، سیاستی و راهبردی، استخراج می‌شوند. نتایج به دست آمده در پاسخ به سؤال‌ها، در ۵ گروه کانونی که در آن متخصصان اقتصادی حضور داشتند مورد ارزیابی و بازبینی قرار گرفتند. در مرحله دوم کیفی، هر یک از ابعاد مشخص شده در سؤال‌های فوق، براساس ادبیات موجود تحلیل و تفسیر شدند؛ سرانجام با توجه به سطوح دکترینال، سیاستی و راهبردی الگوی جامع ترازبایی راهبردی قدرت پیشنهاد می‌شود.

۳. تحلیل یافته‌های پژوهش

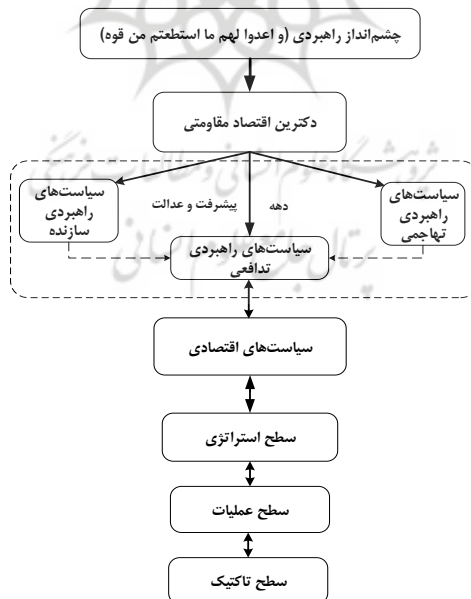
در این بخش با محور قرار دادن هر یک از سؤال‌های پژوهش، به آن‌ها پاسخ داده

شده و سرانجام الگوی تراز یابی راهبردی قدرت طراحی می شود.

۳-۱. ابعاد دکترینال و سیاستی الگوی تراز یابی راهبردی قدرت اقتصادی

بر اساس مطالعات حاصل، چارچوب جامع طرح راهبردی کلان از سطح دکترین و سیاست شروع شده و تا عملیات و تاکتیک ادامه می یابد. با توجه به اینکه اعتقادات ستون فقرات تحلیل مورد نظر هستند لذا، بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری و تحلیل های مشابه، مبنای همه تحلیل ها آیه قرآن «و اعدوا» است. بنابراین، تمامی پژوهش های مرتبط با محیط متخاصم، حول محور این چشم انداز راهبردی شکل خواهد گرفت. بر اساس مطالعات به دست آمده، می توان گفت که چارچوب دکترینال و سیاستی، از چشم انداز راهبردی «و اعدوا» شروع شده و تا لایه های چهارگانه سیاست های اقتصادی ادامه می یابد (نمودار ۱). مبنای تهیه و ایجاد این چارچوب، مطالعات داده های ثانویه حاصل از ادبیات پژوهش و سپس جمع بندی آن در گروه های کانونی است.

نمودار ۱. الگوی تحلیل چشم انداز، دکترینال و سیاست در تراز یابی راهبردی قدرت اقتصادی



۳-۱-۱. چشم‌انداز راهبردی اقتصاد مقاومتی

با بررسی سوره انفال و بیانات مقام معظم رهبری بخش اول آیه ۶۰ سوره انفال، آیه *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْوَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ* به عنوان چشم‌انداز راهبردی اقتصاد مقاومتی (با محوریت دشمن‌شناسی و تجهیز در برابر آن) انتخاب می‌شود. با توجه به هدف متعالی ما در دشمن‌شناسی و تحلیل محیط متخاصم، که همان بازدارندگی است و نه جنگ و خونریزی و همچنین عمومیت آیه می‌توان آن را عنوان چشم‌انداز راهبردی مدنظر قرار گیرد (بیانات مقام معظم رهبری). چند ویژگی مهم این آیه برای چشم‌انداز راهبردی در حوزه اقتصاد مقاومتی این است که

اولاً توقف‌ناپذیر است (عمومیت *مَا اسْتَطَعْتُمْ*) و نکره بودن (*مِنْ قُوَّةٍ*) با توجه به معنای وسیع قوه؛ ثانیاً، هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود (برای همه عصرها و دوران قابل استفاده است)؛ ثالثاً، غرورآفرین است (باعث تحرک و نشاط در دفاع از دین خداوند می‌شود)؛ رابعاً، تجمیع‌کننده تمامی قوای نظامی، انتظامی، دفاعی و مردمی. ایجاد یک‌آهنگی است (ارتش، بسیج، سپاه پاسداران، وزارت دفاع و به‌طور کلی همه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، دولت و قوای سه‌گانه و بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی است)

۳-۱-۲. دکترین اقتصاد مقاومتی

از دکترین تعاریف مختلف و گوناگونی شده است؛ برخی آن را مبنای عمل قلمداد کرده و برخی دیگر آن را مرز میان فلسفه و سیاست می‌دانند در هر صورت، بر اساس فلسفه اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی دکترینی است که در آن به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

- نظام فکری که مبنای عمل در حوزه اقتصادی قرار گرفته و بر تحولات اقتصاد ملی اثرگذار است چیست؟
- چه سیاست‌ها و استراتژی‌های بزرگی بر اساس دکترین یا در درون آن

اتخاذ می‌شوند؟

● چه چارچوب و مرجع عمومی برای فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد؟
دکترین اقتصاد مقاومتی نوعی جهان‌بینی است که سیاست‌های راهبردی بر اساس آن شکل گرفته و پایه‌گذاری می‌شوند و به اصولی اشاره می‌کند که سیاست‌های اقتصادی کشور بر اساس آن تنظیم و روش هدایت و سیاست‌های راهبردی را مشخص می‌کند. دکترین در سطح کلان هماهنگ‌کننده سایر بخش‌های چارچوب، همچون سیاست‌ها، راهبردها و عملیات است. دکترین حاکم بر تمامی فرایند تدوین و تحلیل از آمایش دانش استراتژیک در حوزه‌های دریایی، سایبری، بری، هوایی و فضایی گرفته تا تولید محصولات متناسب با هر یک از دانش تولیدشده اقتصاد مقاومتی را شامل می‌شود.

۳-۱-۳. سیاست‌های راهبردی اقتصاد مقاومتی

سؤال اصلی اینجاست که ترجمان اقتصاد مقاومتی برای دولت و کارگزاران نظام، بر اساس چه نوع سیاست‌های راهبردی است که همچون چتری بر تمامی فعالیت‌های دانش‌بنیان و سیاست‌های مشخص مورد توجه حوزه اقتصاد حاکم باشد؟ برای پاسخ به این سؤال سه نوع سیاست راهبردی که می‌تواند اقتصاد مقاومتی را در چارچوب مدل جاری و ساری کند عبارت است از:

۳-۱-۳-۱. سیاست‌های راهبردی تدافعی اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های راهبردی تدافعی به آن دسته از سیاست‌هایی اشاره می‌کند که درباره دانش استراتژیک اقتصادی کشور ذیل چتر اقتصاد مقاومتی برای دفاع از حریم اقتصادی اتخاذ می‌شود. در این حوزه از سیاست‌های راهبردی، مشخص می‌شود که چه حوزه‌هایی از اقتصاد باید در مصاف با دشمن جنبه دفاعی داشته و سپر و ضربه‌گیر فعالیت‌های اقتصادی نظام باشند. این‌گونه راهبردها در برابر حملات و آسیب‌های احتمالی دشمنان طراحی می‌شوند. دشمنان سناریوهای مختلفی را در دست اجرا دارند اعم از سناریوهای احتمالی، اجرایی و سناریوهای رزرو (ذخیره) که لازم است تدابیر تدافعی در حوزه اقتصاد نسبت به آن‌ها صورت گیرد. برای آن

بخش از حریم اقتصادی کشور که در معرض تهاجم است یا از سوی دشمنان برای تعرض در آینده سناریوپردازی شده است لازم است سیاست‌های راهبردی تدافعی اتخاذ شود. طبیعی است که این سیاست، نقشی چندبعدی داشته و در کنار اقتصاد باید فرهنگ و علوم سیاسی و فناوری هم مدنظر قرار گیرد. دفاع در برابر تحریم‌ها، دفاع در برابر فعالیت‌های مخرب داخلی و جاسوسی‌های صنعتی و اقتصادی و حتی قوانین کاهنده تولید و غیره از این‌گونه موارد است. بنابراین، لازم است بر اساس دانش استراتژیک آسیب‌های حریم اقتصادی ایران در ترازیبی راهبردی قدرت اقتصادی شناسایی شده و محصولات و فناوری‌های نظامی و تسلیحاتی متناسب، تولید شود.

۳-۱-۲. سیاست‌های راهبردی تهاجمی اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های راهبردی تهاجمی به این اشاره می‌کند که از ظرفیت‌های موجود دانش استراتژیک اقتصادی، تسلیحات اقتصادمحور برای حمله و تهاجم به پایگاه‌های کلیدی دشمن چگونه بهره برداری شود؟ همچنین بر اساس دشمنی‌های اقتصادی نظام سلطه، چه راهبردهای تهاجمی در حوزه اقتصاد تدارک دیده شده است. قدرت اقتصادی و ملی کشور در گرو این است که نقاط آسیب پذیر دشمنان در حوزه اقتصاد شناسایی شود؛ سپس با نظامی و تسلیحاتی کردن مؤلفه‌های نرم اقتصادی، دشمنان را در وقت مقتضی مورد هجوم قرار دهد. در عرصه اقتصادی تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان از مناطق دریایی و در عین حال جدی است که می‌تواند سیاست‌های راهبردی تهاجمی را در آن‌ها به کار گرفت. اقتصاد دانش‌بنیان، صنعت انرژی هسته‌ای، صنایع موشکی و غیره می‌توانند از صنایع اثرگذار برای تهاجم‌های اقتصادی به کار گرفته شوند. سیاست‌های راهبردی تهاجمی زمانی اثرگذار است که کشور ما در منظومه اقتصادی جهان نقش فعالی را ایفا کند. به عبارت دیگر، دشمنان از نبود مشارکت ایران در این جورچین احساس ناامنی کنند.

۳-۱-۳. سیاست‌های راهبردی سازنده اقتصاد مقاومتی

در سیاست‌های راهبردی سازنده، با توجه به دانش اقتصادی و زیرساختی برای

آینده و تهدیدات مستمر محیطی به اتخاذ سیاست‌های راهبردی پرداخته می‌شود. برای مثال، در ادبیات متعارف، پژوهش و اقدام در زمینه فناوری‌های کوانتومی رو به افزایش است؛ لذا اگر این پارادایم مکمل یا جایگزین پارادایم فعلی و فناوری دیجیتال شد یا تغییرات شگرفی را در آن بوجود آورد چه تهدیداتی را متوجه کشور خواهد ساخت.

کشورها همواره در حال نبرد اقتصادی هستند؛ لذا فراهم کردن زیرساخت‌هایی برای آینده می‌تواند تعاملات جهانی و بین‌المللی و منطقه‌ای را تغییر دهد. در این‌گونه سیاست‌ها، سیاست‌های راهبردی سازنده می‌تواند زیرساخت‌های کلان را برای موازنه قدرت آینده فراهم کند. اقتصاد تهاجمی و به طور طبیعی نظامی‌کردن محصولات و دانش آن و همچنین آینده‌پژوهی در جنگ‌های اقتصادی، امری است که نیازمند زیرساخت‌های ملی و کارآفرینانه است. اقتصاد سایبر، اقتصاد دانش‌بنیان و حتی اقتصاد دفاعی - امنیتی در آینده در شکل نوینی ظاهر خواهد شد. برای جنگ و نبرد اقتصادی آینده، لازم است که علاوه بر آمایش‌های موجود، سناریوهای آمایش‌های مطلوب هم بررسی و تحلیل شود. نمودار (۲) هر یک از این سیاست‌های کلان و راهبردی اقتصاد مقاومتی را در تعامل با یکدیگر نشان می‌دهد.

نمودار ۲. سیاست‌های راهبردی سه‌گانه در حوزه اقتصاد مقاومتی

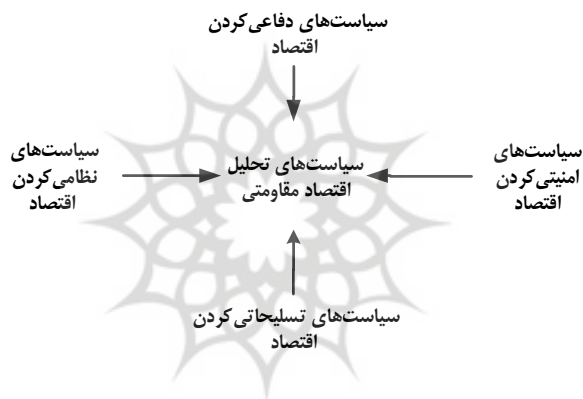


۳-۱-۴. سیاست‌های اقتصادی

نه ایران و نه سایر کشورها، موضع انفعال نسبت به این جابه‌جایی قدرت از طریق

قدرت اقتصادی ندارند بلکه همواره کشورها، البته با اصول، روش‌ها و اقدامات متفاوت، تلاش می‌کنند عرصه اقتصاد و البته قدرت حاصل از آن را به نفع خود تغییر دهند. در هر صورت ایران هم باید حداقل با موضع فوق فعال^۱ و تعاملی^۲ در عرصه سیاست‌های اقتصادی (نمودار ۳) در چارچوب اقتصاد مقاومتی و الهام از چشم‌انداز راهبردی خود سیاست‌ها، راهبردها و تاکتیک‌های مرتبط را انتخاب کند. متناسب با سیاست‌های راهبردی فوق ۴ دسته از سیاست‌های اقتصادی ایجاد می‌شود:

نمودار ۳. ترجمان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به سیاست‌های عمومی



سیاست‌های چهارگانه فوق، در واقع نقش و اهمیت اقتصاد در قدرت نیمه‌سخت بیان می‌کنند و در جنگ اقتصادی ضرورت دارد که کشور به همه موارد فوق مجهز شود. برای اینکه حلقه اتصال بین سیاست‌های فوق با راهبردها ایجاد شود لازم است که طرح راهبردی به منظور ترازبایی قدرت اقتصادی بررسی شود تا بتوان از دانش استراتژیک اقتصادی، محصولات استراتژیک دفاعی-امنیتی و تسلیحاتی تولید کرد.

1. Proactive
2. Interactive

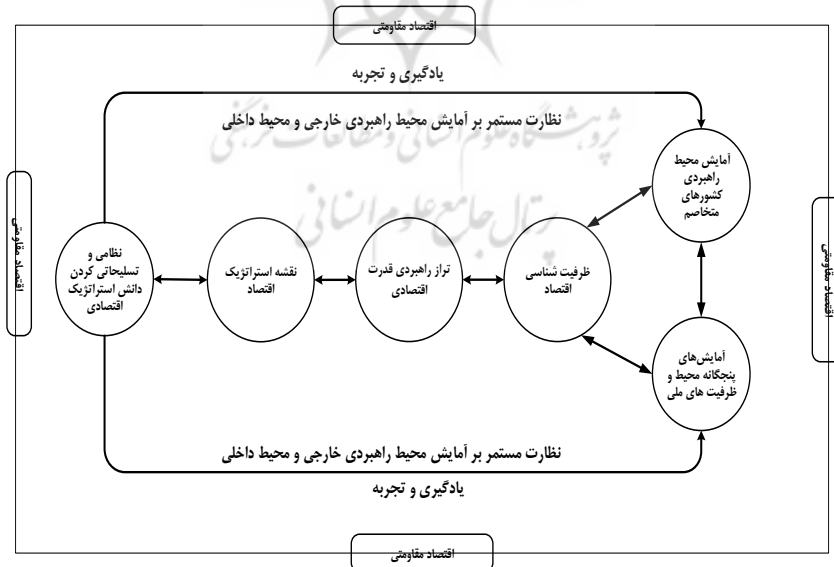
۳-۲. اهداف سطح راهبردی اقتصاد مقاومتی

در سطح راهبردی، ابتدا به آمایش محیط راهبردی در حوزه اقتصاد پرداخته می‌شود که شناخت جامع از وضعیت کلان محیط حوزه اقتصاد (آمایش محیط راهبردی خارجی و کشورهای متخاصم) را فراهم می‌کند و سپس آمایش درونی کشور در چارچوب دکترین اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های راهبردی مرتبط با آن، در آمایش‌های مختلف بررسی و تبیین می‌شود.

پایش و کنترل محیط راهبردی نظام سلطه به منظور شناخت فرصت‌ها و تهدیدات ملی در حوزه اقتصاد و همچنین شناخت تراز راهبردی قدرت در عرصه بین‌الملل و شناخت توان آمایشی بری، فضایی، دریایی، هوایی و فضایی دشمن است. در این بخش ضرورت دارد هم به ظرفیت‌های موجود و هم ظرفیت‌های مطلوب نظام سلطه توجه شود.

برای دستیابی به اهداف و پاسخ به سؤالات زیربنایی راهبردی پژوهش و حل مسائل جدی آن‌ها در حوزه اقتصاد بر اساس مطالعات انجام شده، چارچوب کلان پروژه در سطح راهبردی عبارت است از: (نمودار ۴).

نمودار ۴. الگوی مفهومی تبدیل دانش استراتژیک اقتصادی به تسلیحات اقتصادمحور



۳-۲-۱. آمایش محیط راهبردی خارجی و کشورهای متخاصم

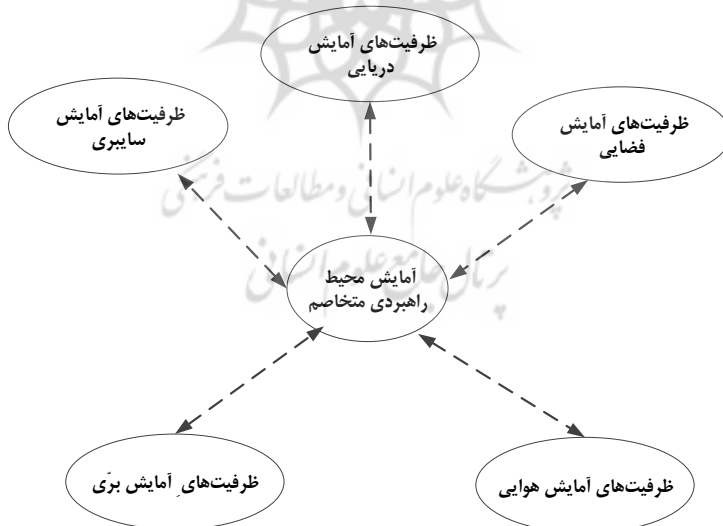
امروزه یکی از ابزارهای مهم معاندان انقلاب اسلامی جهت ضربه زدن و ایجاد موانع بر سر راه پیشرفت کشور بهره‌برداری از ابزارهای نرم اقتصادی در عرصه مبارزه است. دشمنان بر اساس تحلیل شرایط کنونی کشور دریافته‌اند که تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، ایجاد اختلال در روند رشد اقتصاد ایران و موارد مشابه می‌تواند اهداف سلطه‌طلبانه آن‌ها را برآورده کند. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب اسلامی به طور مستمر این‌گونه تهدیدات را در چند سال اخیر به مردم و مسئولان گوشزد کرده‌اند. نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب به دهه پیشرفت و عدالت و شروع گام دوم انقلاب و نام‌گذاری سال‌هایی در درون آن‌که به صورت مستقیم به اقتصاد کشور مربوط است از این دست هستند تا دولت و نیروهای کشوری و لشکری در حوزه اقتصاد هم گامی برای مقابله با تهاجمات بردارند.

ما در تراز منفی با آمریکا دارای شکاف‌های راهبردی هستیم که باید الزامات راهبردی برای کاهش و حذف این شکاف‌ها در حوزه اقتصاد تعیین شود. شناخت وضعیت تراز و شکاف‌های راهبردی زمانی میسر است که ما درک عمیقی از دشمنان و رفتار آنان در محیط بین‌المللی و داخلی کشور داشته باشیم. بنابراین، تحلیل محیط بین‌المللی و مؤلفه‌های آن با محوریت آمریکا بسیار حیاتی و ضروری است. گردآوری تحلیل، پایش و رصد اطلاعات محیطی درباره کشور متخاصم شکاف‌های راهبردی تراز قدرت اقتصادی را مشخص خواهد کرد. راهکارهای پرکردن این شکاف‌ها بهره‌برداری از دانش اقتصاد مقاومتی است. اقتصادی که بر پایه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بومی کشور بنا شده است و تلاش خود را در اثرگذاری فعال و مؤثر در حوزه کاهش شکاف راهبردی هر یک از مؤلفه‌های شناسایی شده ایفا می‌کند.

برای اینکه در کشور جمهوری اسلامی ایران، سه سیاست راهبردی اقتصاد مقاومتی را عملیاتی کند لازم است که به ۶ حوزه آمایشی در سطح راهبردی پرداخته شود. تحلیل جامع از عوامل راهبردی قدرت اقتصادی در کشورهای متخاصم که در مواردی باعث برتری تراز راهبردی آن‌ها بر تراز راهبردی کشور

است در این آمایش شناسایی و تبیین می‌شوند. خروجی این بخش، شناخت ظرفیت‌های اقتصادی کشور متخاصم و فقدان ظرفیت‌های ما و آسیب‌های راهبردی خواهد بود. با این آمایش در کنار تحلیل آمایش‌های درونی کشور به تراز راهبردی قدرت دست خواهیم یافت که سرانجام انواع استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و استراتژی‌های شکاف راهبردی برای محصولات و خدمات اقتصادی پیشنهاد خواهد شد. آمایش محیط راهبردی کشورهای متخاصم نوعی آمایش تطبیقی است که در آن آمایش بری، دریایی، هوایی، فضایی و همچنین سایبری با تأکید بر حوزه اقتصاد انجام می‌شود. در این آمایش برخی از محصولات دریاپایه، سایبرپایه، زمین پایه، هوای پایه و فضاپایه کشورهای متخاصم شناسایی خواهد شد. در این مرحله ۲۵ نوع ظرفیت شناسی برای کشور متخاصم لازم استخراج شود؛ به عنوان مثال: ظرفیت‌های اقتصادی موجود و مطلوب محیط راهبردی متخاصمین در حوزه آمایش دریایی و ظرفیت‌های اقتصادی موجود و مطلوب محیط راهبردی متخاصمین در حوزه آمایش بری شناسایی می‌شود (نمودار ۵):

نمودار ۱. آمایش محیط راهبردی کشورهای متخاصم



۳-۲-۱. فرایند تحلیل و بررسی آمایش کشورهای متخاصم در عمل

شناسایی و تحلیل محیط نظام سلطه در حوزه سیاست های اقتصادی مذکور در

آمایش های دریایی و سایر نیازمند یک تحلیل و فرایند منطقی است تا حد امکان بتوان به برخی از دانش های مرتبط در این زمینه دست یافت. تحلیل های زیر ما را به این آمایش ها در سیاست های اقتصادی تنظیم شده کمک خواهد کرد:

- تحلیل روندهای جهانی و کلان در عرصه اقتصاد و میزان توجه و اهمیت کشورها به اقتصاد در تراز یابی قدرت در منطقه و سطح بین الملل؛
- تحلیل عوامل کلان اقتصادی کشورهای متخاصم و سوگیری و ارتباط آن با سیاست های اقتصادی مرتبط با آمایش ها؛

- تحلیل ظرفیت ها و فقدان ظرفیت های آمایشی در کشورهای متخاصم؛
- تحلیل و گروه بندی کشورهای منطقه و بین الملل در تراز یابی قدرت کشور؛

- تحلیل شبکه های همکاری در عرصه اقتصاد با کشورهای دوست و همکار؛
- مطالعه اسناد کلان بالادستی کشور آمریکا (سند استراتژی امنیت ملی و جایگاه اقتصاد در آن)؛

- مطالعه سازمان های فعال در آمریکا (همچون موسسه بروکینگز؛ بنیاد سورس، موسسه کارنگی و سازمان های مشابه) به منظور شناخت تحلیل های آنها از کشور ایران؛

- بررسی وضعیت آمایش برّی، دریایی، هوایی و فضایی آمریکا در حوزه اقتصاد.

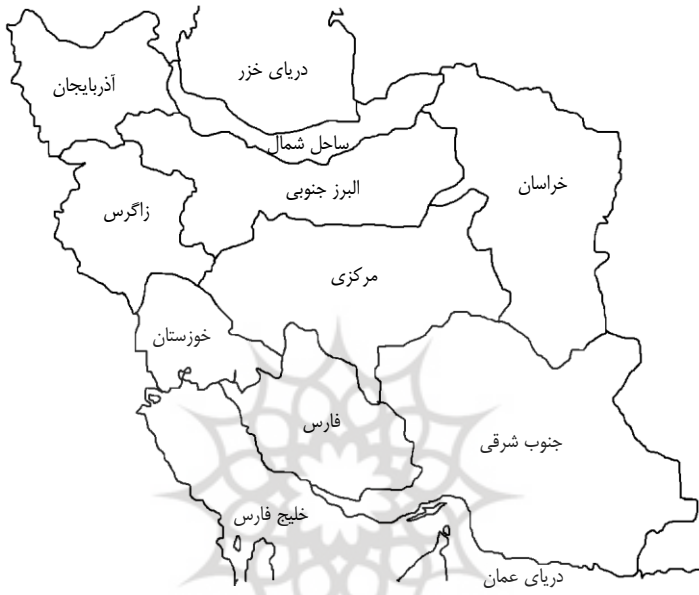
۳-۲. آمایش های پنج گانه محیط و ظرفیت های ملی

۳-۲-۱. آمایش برّی کشور در حوزه اقتصاد

در این آمایش انواع ظرفیت ها، فقدان ظرفیت ها و قابلیت های کلان اقتصادی شناسایی شده تا بتوان استراتژی های برّی حوزه اقتصاد را شناسایی کرد. بخش دوم این آمایش، پرکردن شکاف های راهبردی تراز با ظرفیت های برّی است. در عرصه عمل، این بخش می تواند منجر به تولید تسلیحات زمین پایه اقتصادی شود. (به عنوان مثال، در این حوزه به انرژی های نو، انرژی های تجدید پذیر و ... توجه

می شود). متولی تسلیحاتی کردن عوامل اقتصادی در این بخش می تواند تمامی فعالان اقتصادی باشند. کلان منطقه های نه گانه آمایش برّی در نمودار (۶) نشان داده شده است (بنی اسد، ۱۳۹۰).

نمودار ۶. نقشه ۹ کلان منطقه خشکی کشور



۳-۲-۲. آمایش دریایی کشور در حوزه اقتصاد

دریا مرکب راهبردی کشور برای امنیت ملی است. با وجود ظرفیت هایی همچون اشتغال در دریا، وجود سرمایه عظیم نفتی ایران در خلیج فارس، جایگاه راهبردی تنگه هرمز و نقش تعاملی و ارتباطی دریای خزر در شمال، لازم است که ظرفیت های موجود و ظرفیت های لازم با آمایش راهبردی شناسایی شده تا بتوان در این زمینه به ترسیم استراتژی بحری پرداخته تا بتوان حوزه اقتصاد را برای نظامی کردن و تسلیحاتی کردن عوامل اقتصادی دریایی شناسایی کرد. آمایش دریایی برای پر کردن شکاف های راهبردی تراز قدرت در ارتباط با ظرفیت های دریایی است. در عرصه عمل این بخش می تواند منجر به تولید تسلیحات دریاپایه شود.

۳-۲-۲-۳. آمایش هوایی کشور در حوزه اقتصاد

هوا جولانگاه تسلیحات مدرن و نوین با وارد کردن خسارت بیشتر به کشور مقابل است. شناسایی ظرفیت‌های موجود و مطلوب و البته بیشتر از آن‌ها ظرفیت‌های بلااستفاده و فقدان ظرفیت‌ها در آمایش هوایی زمینه ترسیم استراتژی آمایش هوایی را فراهم می‌کند تا بتوان حوزه اقتصاد را برای نظامی کردن و تسلیحاتی کردن عوامل اقتصادی هوایی شناسایی کرد. آمایش هوایی برای پرکردن شکاف‌های راهبردی تراز قدرت در ارتباط با ظرفیت‌های هوایی کشورهای متخاصم است. در عرصه عمل این بخش می‌تواند منجر به تولید تسلیحات هوایی شود. (به‌عنوان جاده ابریشم هوایی ایران که شرق را به غرب وصل می‌کند و مسیر هوایی دریا به دریا که شمال را به جنوب وصل می‌کند می‌تواند ظرفیت‌سازی‌های کلانی برای حوزه اقتصاد ایجاد کند)

۳-۲-۲-۴. آمایش فضایی کشور در حوزه اقتصاد

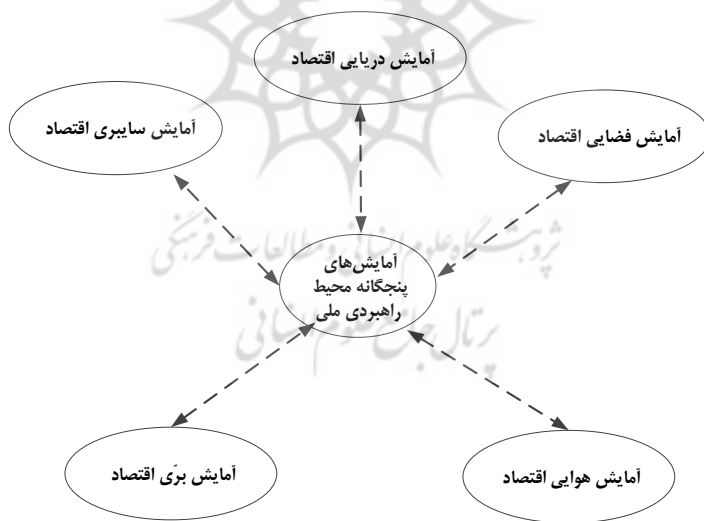
وسعت ظرفیت‌سازی در فضا بسیار بیشتر از سایر حوزه‌هاست. در دولت بوش یکی از راهبردهای اساسی آمریکا نظامی کردن و تسلیحاتی کردن فضا بود (البته قوانینی هم وجود دارد که استفاده از هوا و فضا را برای صلح می‌خواهد). روندهای رشد فناوری و توسعه جنگ‌افزارهای این حوزه، نشان می‌دهد که فضا، جدی‌ترین نبرد نرم و سخت آینده کشورهاست. ظرفیت‌سازی کشور در این حوزه و شناسایی فقدان ظرفیت‌ها لازمه تدوین استراتژی‌های فضایی در این حوزه است. در عرصه عمل این بخش می‌تواند منجر به تسلیحات فضایی شود.

۳-۲-۲-۵. آمایش سایبری کشور در حوزه اقتصاد

امروزه پارادایم حاکم بر دنیا، پارادایم فضای مجازی است. پارادایمی که به طور جدی حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست، و سایر شئون زندگی را متحول کرده است. هرچند کسب‌وکار، تفریح و سرگرمی، پژوهش و آموزش همواره از بستر سایبر راحت‌تر صورت می‌گیرد اما مهم‌ترین کارکرد آن برای این است که کشورهای غربی بتوانند قدرت اطلاعاتی خود را در سه حوزه اطلاعات راهبردی،

ارتباطات و ارگان‌های انرژی یک بر ضد سایر کشورها به کار گیرند. با توجه به توسعه سریع فناوری اینترنت یکی از خطرناک‌ترین جنگ‌ها، جنگ سایبری است؛ لذا تدابیر سایبری هم در این زمینه بر اساس سه سیاست راهبردی ضروری است. در سیاست راهبردی سازنده، تلاش برای ایجاد و شناسایی زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری صورت می‌گیرد که نوعی سازندگی را برای جلوگیری از تهدیدات اقتصادی در بر خواهد داشت. در سیاست راهبردی دفاعی، نظام تمامی تلاش خود را برای خنثی‌سازی تهدیدات حاصل از سناریوهای پیچیده دشمنان و ترفندهای آنان می‌پردازد. در سیاست راهبردی هجومی تلاش برای ویران‌سازی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای سایبری دشمن به وقت مقتضی صورت می‌گیرد. بنابراین، بر اساس سیاست‌های فوق آمایش سایبری به دنبال شناسایی دانش استراتژیک اقتصادی برای دفاع، امنیت و همچنین نظامی کردن و تسلیحاتی کردن فضای سایبر است.

نمودار ۷. آمایش‌های پنج‌گانه محیط راهبردی ملی ایران در حوزه اقتصاد



۳-۲-۳. فرایند بررسی و تحلیل آمایش‌های محیط ملی بر اساس ظرفیت‌ها

تحلیل محیط ملی و منابع آن، برای ظرفیت‌شناسی، شناسایی منابع و قابلیت‌ها و

شایستگی‌های ملی در حوزه‌های مختلف آمایشی مورد استفاده است. پس از آن که دو بال محیط خارجی متخاصمین و محیط داخلی کشور در هر یک از آمایش‌ها متناسب با سیاست‌های اقتصادی شناسایی شد، شکاف راهبردی بین تراز راهبردی کشور با کشورهای متخاصم شناسایی شده و راهبردهایی برای پرکردن شکاف بین تراز راهبردی قدرت، تقویت تراز مثبت و تهدیدزدایی از تراز منفی با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها در درون دکترین اقتصاد مقاومتی در گام‌های بعد صورت خواهد گرفت.

واژه ظرفیت در ادبیات مدیریت راهبردی و سیاست‌گذاری در کشورهای مختلف دارای پشتوانه علمی و تجربی فراوانی است. در واقع اگر بخواهیم به یکی از حوزه‌های کلیدی که کشورهای غربی در پیشرفت و توسعه ملی خود چه در حوزه اقتصاد، چه در حوزه سیاست و چه در حوزه فناوری و فرهنگ استفاده کرده‌اند اشاره کنیم ظرفیت (قابلیت، شایستگی)، ظرفیت‌سازی و آزادسازی ظرفیت‌هاست (Wu, Howlett, & Ramesh, 2018). ظرفیت‌سازی با توجه به ماهیتی که دارد بومی هر کشور است و ظرفیت‌های یک کشور با کشور دیگر متفاوت است. طبیعی است که تحلیل جامع و علمی تجربیات، شکست‌ها و ظرفیت‌سازی‌های اقتصادی در کشورهای موفق دنیا می‌تواند بیان‌کننده مفهوم و اجرایی شدن شکوفایی و رشد ظرفیت‌ها در کشور ما باشد. هرچند که کشور ما به دلیل دارا بودن تکیه‌گاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام دارای ظرفیت‌های متمایزی است که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان پشتوانه اقتصادی همان‌طور که در چشم‌انداز ذیل «ما استطعتم» به آن توجه کرده‌ایم استفاده کرد. شناخت ظرفیت‌ها در کشور در حوزه اقتصاد با توجه به اقتصاد مقاومتی یکی از کلیدی‌ترین بحث‌ها در زمینه تراز یابی راهبردی قدرت است.

برای اینکه ما هم وضعیت خود را در تراز راهبردی قدرت مشخص کرده و هم ظرفیت‌سازی و ظرفیت‌سازی در این حوزه داشته باشیم لازم است ظرفیت‌ها و فقدان ظرفیت‌های آمایشی را مدنظر قرار دهیم. ظرفیت‌سازی در این مرحله بر اساس سیاست‌های اقتصادی در حوزه آمایش‌های مطرح شده است تا منابع ملی ما

در حوزه‌های اقتصادی شناخته شوند. آمایش‌های ملی، ظرفیت‌های ناشناخته هر یک از روستاها، شهرها و استان‌های ما را مشخص می‌کند و راه را برای بهره‌برداری از آن‌ها در تمامی سطوح فراهم می‌کند. از سوی دیگر، ظرفیت‌سازی بر اساس حوزه‌های مختلف اقتصادی و صنایع هم امکان‌پذیر است که به صنایع به‌عنوان یکی از ابزارهای تسلیحاتی و نظامی توجه داشته باشیم.

در این آمایش‌ها، کشور نیازمند ظرفیت‌سازی پویا است؛ در ظرفیت‌سازی پویا کشور به دنبال پیشرو بودن در جهان در برخی از صنایع است به طوری که شرایط را برای مثبت کردن تراز راهبردی فراهم کند. در ظرفیت‌سازی پویا، خلق صنایع جدید بر اساس سیاست‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. صنایعی که قبلاً در دنیا وجود نداشته و اولین بار باید به وسیله متخصصان ایرانی خلق شوند تا پیشرو بودن ما در برخی از آن‌ها در عصر کنونی حاصل شود. طبیعی است که این صنایع باعث می‌شوند ما در جهان به جای پیرو، پیشرو و رهبر بازار شویم. دروازه ورود به این صنایع با توجه به فشارهای اقتصادی از زاویه خلق صنایع الکترونیکی و فضای سایبر سریع‌تر است حتی دستیابی به تسلیحات سایبرپایه نیز می‌تواند ایجاد رعب و وحشت در دشمنان ایجاد کند (ترهبون به عدوالله و عدو کم). اگر ظرفیت‌های پویا و ملی شکوفا شوند امید این می‌رود که حتی پارادایم حاکم بر اقتصاد جهانی که همانا پارادایم الکترونیک است به دست متخصصان ایرانی تغییر کرده و پارادایم جدیدی در دنیا خلق شود که معادلات جهانی کاملاً برعکس می‌شود. همه این موارد می‌تواند در قالب تحلیل موشکافانه اقتصاد مقاومتی ظهور یابد.

ظرفیت‌سازی در اقتصاد به معنای ترکیب و بهره‌برداری از منابع ملی کشور خواه منابع نامشهود و ناملموس همچون دانش دانشگاهیان، تخصص، مهارت فعالان عرصه اقتصاد و کسب‌وکار، خواه منابع مشهود و ملموس همچون منابع و سرمایه‌های فیزیکی در عرصه کشاورزی، صنعت و خدمات است (Wu et al. 2018). این دو منبع عظیم را می‌توان با استفاده از تفکر و سرمایه انسانی به یکدیگر پیوند داد و در هر صورت توانمندی اقتصادی را در سطح منطقه و جهانی بالا برد. ظرفیت‌های اقتصادی پس از این بررسی‌ها به نحو مطلوب نظامی و

تسلیحاتی می‌شوند.

بنابراین در ترازایی راهبردی قدرت باید برای دو مفهوم ظرفیت‌سازی (ظرفیت‌ها و منابع و قابلیت‌هایی که در کشور وجود نداشته یا به‌صورت بالقوه هستند و باید برای بروز آن‌ها و خلق آن‌ها برنامه‌ریزی کرد) و آزادسازی ظرفیت‌ها به معنای ظرفیت‌هایی است که در کشور وجود دارد و باید برای بهره‌برداری این دانش استراتژیک اقتصادی، برنامه‌ریزی کرد. با توجه به اینکه منابع، قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها بومی هر کشور است لذا آن بخش که می‌تواند قدرت ما را در منطقه بر سایر کشورها تحمیل کند استفاده از ظرفیت‌های ملی و بومی در حوزه اقتصاد است. این ظرفیت‌ها بر اساس تحلیل اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی و حماسه اقتصادی قابل شناخت هستند. برخی از این قابلیت‌ها موجود هستند و برخی نیز باید توسعه داده‌شده و ایجاد شوند؛ بنابراین، در این مرحله فرایند تحلیل و شناخت این ظرفیت‌ها به‌صورت زیر است:

● شناسایی و تحلیل قابلیت‌های موجود کشور در چارچوب سیاست‌های اقتصادی؛

● شناخت ظرفیت‌ها، فقدان ظرفیت‌ها و همچنین آسیب‌های اقتصادی دریایی کشور در آمایش جامع همچون بررسی و تحلیل موقعیت ژئواستراتژیک ایران در خلیج فارس از نظر اقتصادی، اشتغال در دریا، تحلیل شرکت‌ها و سازمان‌های فعال در حوزه تحقیقات دریایی؛

● شناخت ظرفیت‌ها، فقدان ظرفیت‌ها و همچنین آسیب‌های اقتصادی بری کشور در آمایش جامع (وضعیت جغرافیای خشکی کشور و نقش آن در تسلیحاتی کردن آن، وضعیت شرکت‌ها، بازار سرمایه، بازار پول و همچنین ظرفیت‌های موجود در روستاها)؛

● شناخت ظرفیت‌ها، فقدان ظرفیت‌ها و همچنین آسیب‌های اقتصادی هوایی کشور در آمایش جامع (تحلیل بهره‌برداری‌های اقتصادی از وضعیت خطوط هوایی، تحلیل سازمان‌های مرتبط، نحوه تسلیحاتی و نظامی کردن اقلیم)؛

● شناخت ظرفیت‌ها، فقدان ظرفیت‌ها و همچنین آسیب‌های اقتصادی فضایی

کشور در آمایش جامع (مثلاً نقش و تحلیل ماهواره‌ها و فضا در تسلیحاتی شدن، بهره‌برداری از دانش آسمان‌های هفتگانه در این حوزه)؛

● شناخت ظرفیت‌ها، فقدان ظرفیت‌ها و همچنین آسیب‌های اقتصادی سایبری کشور در آمایش جامع (آمایش جامع اطلاعات راهبردی، مغز افزارها، شبکه‌ها، زیرساخت‌ها و نرم‌افزارها)؛

● شناخت فقدان ظرفیت‌ها و نحوه تأمین آن‌ها از کشورهای دوست و همکار در شبکه ارتباطات و تعاملات جهانی؛

● توسعه و ایجاد قابلیت‌های جدید و برنامه برای بهره‌برداری و عملیاتی کردن آن‌ها در حوزه اقتصادی؛

۳-۲-۴. ظرفیت‌شناسی اقتصاد

تحلیل هر یک از آمایش‌های شش‌گانه فوق در هر آمایش به‌طور مشخص ظرفیت‌های موجود اقتصاد، فقدان ظرفیت‌ها و همچنین نقاط آسیب‌زا را معرفی و تحلیل می‌کند. (نمودار ۸)

نمودار ۸. چارچوب ظرفیت‌شناسی و فقدان ظرفیت‌های اقتصادی در آمایش‌های شش‌گانه



۳-۲-۵. تراز راهبردی قدرت اقتصادی

مراحل فوق این امکان را فراهم می‌کنند که به طور مشخص تراز راهبردی قدرت در چهار ستون ظرفیت‌های موجود ایران (اقتصادی-دریامحوری، اقتصادی-زمین‌محوری، اقتصادی-فضامحوری، اقتصادی-سایبرمحوری و اقتصادی-هوامحوری، ...) و ستون دوم فقدان ظرفیت‌های کشور (اقتصادی-دریامحوری، اقتصادی-زمین‌محوری، اقتصادی-فضامحوری، اقتصادی-سایبرمحوری و اقتصادی-دریامحوری، ...) و ستون سوم ظرفیت‌های تحلیلی محیط خارجی کشور متخاصم (اقتصادی-دریامحوری، اقتصادی-زمین‌محوری، اقتصادی-فضامحوری، اقتصادی-سایبرمحوری و اقتصادی-دریامحوری، ...) و سرانجام در ستون چهارم نقاط آسیب‌زا و شکاف‌های راهبردی ملی ترسیم و تحلیل می‌شود. به عبارت دیگر، در این مرحله بیست تراز راهبردی لازم استخراج شود (نمودار ۹):

نمودار ۹. تراز راهبردی اقتصاد در آمایش‌های پنج‌گانه

تراز راهبردی قدرت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آمایش‌های پنج‌گانه			
ظرفیت‌های موجود ایران	فقدان ظرفیت‌ها در هر آمایش	ظرفیت‌های متخاصمین	شکاف‌های راهبردی
۱# ≠	۱# ≠	۱# ≠	۱# ≠
۲# ≠	۲# ≠	۲# ≠	۲# ≠
۲# ≠	۲# ≠	۲# ≠	۲# ≠
...# ≠	...# ≠	...# ≠	...# ≠

۳-۲-۶. نقشه استراتژیک اقتصاد

همه تلاش‌های فوق اعم از آمایش‌ها و ظرفیت‌ها برای این مرحله است که نقشه استراتژیک اقتصاد در حوزه‌های مختلف آمایشی تهیه شود. بر اساس هر یک از سیاست‌های اقتصادی و هر کدام از آمایش‌ها مجموعه‌ای از استراتژی‌ها ارایه شده و نقشه استراتژیک آن برای استراتژی‌سازی تهیه خواهد شد. برخی از مؤلفه‌های آن عبارت است از:

● استراتژی ترمیم شکاف‌های راهبردی بین تراز راهبردی ایران و کشورهای

متخاصم؛

- استراتژی‌های بری برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های بری و خشکی کشور و همچنین شناخت ظرفیت‌های پر کردن شکاف راهبردی؛
 - استراتژی‌های بحری برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های دریایی کشور و همچنین شناخت ظرفیت‌های پر کردن شکاف راهبردی با کشورهای متخاصم؛
 - استراتژی‌های هوایی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های هوایی کشور و همچنین شناخت ظرفیت‌های پر کردن شکاف راهبردی با کشورهای متخاصم؛
 - استراتژی‌های فضایی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های فضایی کشور و همچنین شناخت ظرفیت‌های پر کردن شکاف راهبردی با کشورهای متخاصم؛
 - استراتژی‌های سایبری برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های فضایی کشور و همچنین شناخت ظرفیت‌های پر کردن شکاف راهبردی با کشورهای متخاصم.
- با توجه به اینکه محیط ملّی، بین‌المللی و منطقه‌ای همواره در حال تغییر و تحول است، به طور مرتب بر پیچیدگی و تازگی عوامل آن افزوده می‌شود. وجود یک استراتژی ثابت و بدون تغییر، به این معناست که برخی از مسایل بنیادی و راهبردی که ممکن است در طول زمان اتفاق بیفتند، نادیده گرفته شده‌اند؛ بنابراین وجود استراتژی‌های منعطف به معنای بازبینی دوره‌ای استراتژی‌ها و تدوین استراتژی‌های جدید متناسب با ظرفیت‌های دشمن و تغییرات جدید محیطی و همچنین ظرفیت‌های درونی کشور است.
- استراتژی‌های منعطف این امکان را فراهم می‌کنند تا کشور ما در برابر حوادث و رویدادهای محیطی در حوزه اقتصاد آماده پاسخگویی باشند. علاوه بر توجه به راهبردهای از پیش تعیین‌شده^۱، توجه به راهبردهای نوظهور نیز مهم و حیاتی است. راهبردهای نوظهور حاصل مسایل نوظهور و راهبردهای از پیش تعیین شده حاصل مسایلی هستند که امکان شناسایی آن‌ها در حال حاضر وجود دارد.
- مسایل نوظهور^۲ مسایلی هستند که از قبل وجود نداشته و در طول زمان‌های آتی اتفاق می‌افتند. این مسایل تمامی سطوح تحلیل سند راهبردی اقتصاد را

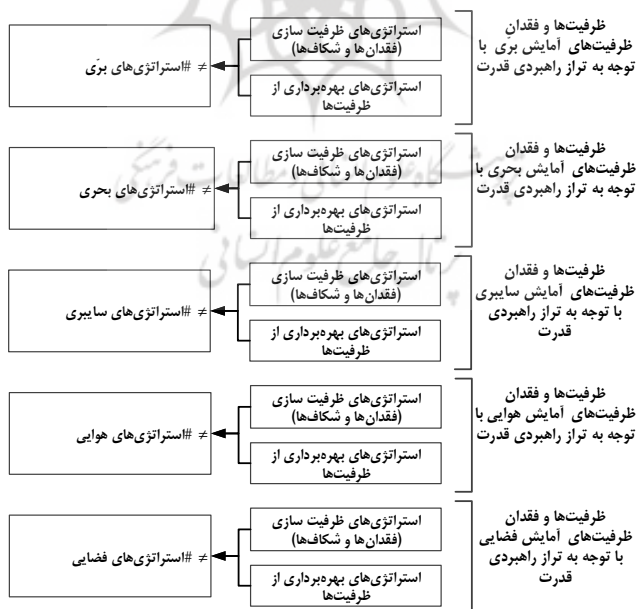
1. Deliberate Strategy

2. Emergent Problems

تحت تأثیر قرار داده و از نوع مسایلی هستند که ممکن است:

- در هنگام تدوین سند راهبردی وجود نداشته باشند؛
- از سناریوهای جدید دشمنان و محیط ملی حاصل شده باشند؛
- در یک حوزه هنگام بررسی و تحلیل سند راهبردی از آن‌ها غفلت شده باشد؛
- در معرض تعارضات و تحلیل‌های متنوع و اختلافی سیاست‌گذاران و راهبرشناسان قرار گرفته باشند و یا به‌زعم خبرگان یا ممیزان مسایل ملی و راهبردی، در اولویت قرار نگرفته باشند؛
- مسایلی که در عملیات و تاکتیک مربوط به هر یک از راهبردها اتفاق می‌افتد؛
- مسایل تجویزی، مسایلی هستند که در هنگام و قبل از تدوین سند راهبردی احصا شده‌اند و راهبردهای از پیش تعیین شده متناسب با آن‌ها نیز تدوین می‌شوند. با توجه به آنچه گفته شد، برخی از استراتژی‌های مربوط به اقتصاد تدوین خواهند شد اما این به این معنا نیست که محیط و ظرفیت‌ها نباید دوباره تحلیل و بررسی شوند. (نمودار ۱۰)

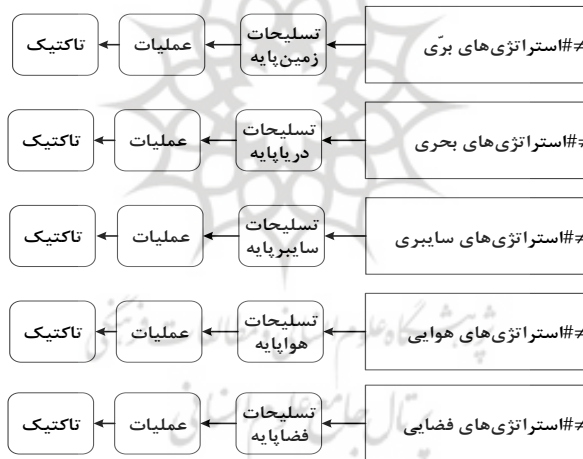
نمودار ۱۰ نقشه استراتژیک اقتصاد در آمایش‌های پنج‌گانه



۳-۷. نظامی و تسلیحاتی کردن دانش استراتژیک اقتصادی

سؤال اصلی اینجاست که چگونه کشور می‌تواند در جنگ اقتصادی تهدیدات دشمن را خنثی کند؟ طبیعی است این کار نیازمند تسلیحات اقتصادی محور است. تسلیحاتی که بر اساس آمایش استراتژیک و کشف دانش و فناوری اقتصادی در حوزه‌های مختلف فضایی، دریایی، سایبری، برّی و هوایی طراحی شده و در جنگ بزرگ اقتصادی به مقابله با دشمنان زورگو و متخاصم می‌پردازد. بر اساس نقشه استراتژیک حاصل شده می‌توان وضعیت امنیتی کردن، نظامی و تسلیحاتی کردن هر یک از راهبردها را به صورت زیر توضیح داد. این بخش فقط بر اساس مطالعات انجام شده نحوه تبدیل دانش استراتژیک را به محصولات راهبردی نظامی و تسلیحاتی بیان می‌کند. (نمودار ۱۱)

نمودار ۱۱. تبدیل دانش استراتژیک اقتصاد به محصولات راهبردی نظامی و تسلیحاتی



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه عمده الگوهای تحلیل محیط اقتصادی در ادبیات متعارف، شامل الگوهای رقابتی (برای کسب مزیت رقابتی در قلمرو فعالیت)، الگوهای همکاری (برای کسب مزیت همکاری در قلمرو فعالیت) و الگوهای هم‌رقابتی (برای کسب توأمان مزیت رقابتی و همکاری) است؛ در این الگوها هدف برتری یک رقیب بر رقیب دیگر، خواه در سطح شرکت‌ها، خواه در سطح مزیت ملی است. اما الگوی چهارمی هم در زمینه

تحلیل محیط اقتصادی وجود دارد که کمتر به آن توجه شده است و در شرایط کنونی برای کشور ما می‌تواند در جنگ اقتصادی کاربرد داشته باشد و آن الگوی محیط متخاصم است. در الگوی تخصمی یک کشور قصد رقابت و برتری در صنعت و فروش کالا و خدمات را ندارد بلکه به دنبال آن است که اقتصاد یک کشور را با استفاده از ابزارهای اقتصادی به نابودی بکشاند. در محیط متخاصم، هر یک از سیاست‌ها، راهبردها و ابزارهای اقتصادی بیشتر به یک اسلحه تبدیل شده به طوری که متخصصان از جنگ ارزی، تسلیحاتی کردن اقتصاد، بهره‌برداری از اقتصاد به عنوان ابزار نظامی و ژئواقتصاد نام می‌برند. تحریم ایران و سپس چین، روسیه و اتحادیه اروپا را مصادیقی از تسلیحاتی کردن ابزارهای اقتصادی علیه این کشورها می‌دانند.

با این وجود مسأله‌ای که اقتصاد کشور ما با آن مواجه است جنگ اقتصادی با نظام سلطه بوده و ضرورت دارد همچون سایر کشورها، به امنیتی کردن اقتصاد (اقتصاد برای امنیت کشور)، نظامی کردن اقتصاد و سرانجام تسلیحاتی کردن اقتصاد در برابر نظام سلطه اقدام شود. برای این مهم باید جنگ‌افزارهای اقتصادی کشور را در ذیل سیاست‌های اقتصاد مقاومتی جستجو کرد. بنابراین، در این پژوهش ابتدا بر اساس سؤال‌های مطرح شده در سطح دکترینال، سیاست و راهبرد، بر اساس داده‌های ثانویه، ادبیات مربوط به هر یک از سؤال‌ها گردآوری شده و سپس با استفاده از ۵ گروه کانونی اقدام به بازبینی و ارزیابی پاسخ‌های این سؤال‌ها در قالب چارچوب‌های به دست آمده کرده و سرانجام بر اساس ادبیات موجود هر یک از ابعاد به دست آمده برای الگو را تحلیل و تفسیر می‌کند.

بر اساس این الگو پیشنهاد می‌شود که ظرفیت‌های اقتصادی کشور ایران شناسایی شده و در تراز راهبردی با کشورهای متخاصم قرار گیرد تا در جایی که فقدان ظرفیت از سوی کشور وجود دارد جبران شود. بر اساس اقتصاد مقاومتی می‌توان جنگ‌افزارهای اقتصادی را برای پاسخ به تهدیدات و حملات اقتصادی دشمن طراحی و به کار بست. در واقع در جنگ اقتصادی به پدافند غیرعامل اقتصادی نیاز داریم که از طریق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تولید جنگ‌افزارهای اقتصادی می‌توان به این مهم دست یافت.

منابع

- بنی اسد، رضا. ۱۳۹۰. مدیریت راهبردی با تأکید بر جهاد اقتصادی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پورعلی، امید. کلهر، رضا. قدیری نژادیان، محمدحسین. ۱۳۹۷. ارتباط پدافند اقتصادی و اقتصاد مقاومتی. فصلنامه پدافند غیرعامل. ۹(۲). صص ۱۰۳-۱۱۳.
- جلالی فراهانی، غلام. ۱۳۹۰. جنگ اقتصادی و پدافند غیر عامل. تهران: بوستان حمید.
- ریکاردز، جیمز. ۱۳۹۳. جنگ‌های ارزی: روایتی حیرت‌انگیز از جنگ اقتصادی کشورها با ابزار پول و طلا. ترجمه حسین راهداری. انتشارات دنیای اقتصاد.
- رحمتی، رضا. ۱۳۹۷. جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران (ویرایش دوم). انتشارات دیدمان.
- شافریتز، ج. ا. بریک، ک. پ. ۱۳۹۰. سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۰. روش تحقیق کیفی. تهران: جامعه شناسان.
- مختاری‌هشی، حسین. ۱۳۹۷. تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک. ۱۴(۵۰). صص ۸۲-۵۶.
- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری.

- Askari, H., Mohseni, A., & Daneshvar, S. 2009. The militarization of the Persian Gulf: An economic analysis. Cheltenham: Edward Elgar.
- Barney, J. B., & Hesterly, W. S. 2015. Strategic management and competitive advantage: Concepts and cases : global edition (5th ed.): Pearson.
- Bremmer, I., & Kupchan, C. 2015. Eurasia Group's Top Risks 2015 report. pp. 8-9.
- Frankel, J. 2019. How A Weaponized dollar Could Backfire.
- Grant, R. M. 2016. Contemporary strategy analysis: Text and cases (9th ed.). West Sussex: Wiley.
- Harding, R., & Harding, J. 2017. The weaponization of trade: The great unbalancing of politics and economics. Perspectives. London: London Publishing Partnership.
- Hill, C. W. L., Jones, G. r., & Schilling, M. 2015. Strategic management:

- theory (11th Ed.): Cengage Learning.
- Johnson, G., Scholes, K., & Whittington, R. 2011. Exploring strategy (9th ed.). Harlow: Financial Times Prentice Hall.
- King, M. D. 2015. The Weaponization of Water in Syria and Iraq. *The Washington Quarterly*. 38(4). Pp. 153–169.
- Lloyd, R. M. 2010. Economics and security: Resourcing national priorities. William B. Ruger Chair of National Security Economics papers: no. 5. Newport, R.I.: Naval War College.
- Lynch, R. L. 2018. Strategic management (Eighth edition). Harlow, England, London, New York: Pearson.
- Morse, J. M. 2010. Simultaneous and Sequential Qualitative Mixed Method Designs. *Qualitative Inquiry*. 16(6). pp. 483–491.
- Nanto, D. K. 2011. Economics and National Security: Issues and Implications for U. S. Policy: DIANE Publishing Company.
- Porter, M. E. 1980. Competitive strategy : techniques for analyzing industries and competitors. New York: Free Press.
- Porter, M. E. 1998. The competitive advantage of nations: with a new introduction: Free Press.
- Pumphrey, L. M. 1941. Planning for Economic Warfare. *Military Affairs*. 5(3). pp. 145. doi:10.2307/2937583
- Pumphrey, L. M. 1942. Economic Warfare Tactics. *Military Affairs*. 6(1). pp. 7. doi:10.2307/1983173
- Schwarzer, D. 2020. Weaponizing the Economy. *Berlin Policy Journal*.
- Singer, P. W., & Brooking, E. T. 2018. Likewar: The weaponization of social media. Boston, New York: an Eamon Dolan book Houghton Mifflin Harcourt.
- Thompson, A. A. 2018. Crafting and executing strategy: The quest for competitive advantage : concepts and cases (Twentyfirst edition). New York, NY: McGraw-Hill Education.
- Wu, X., Howlett, M., & Ramesh, M. (Eds.). 2018. Studies in the Political Economy of Public Policy. Policy Capacity and Governance: Assessing Governmental Competences and Capabilities in Theory and Practice. Cham: Springer International Publishing.
- Yami, S. 2010. Coopetition: Winning strategies for the 21st century. Cheltenham UK, Northampton MA: Edward Elgar.